



رضا خاکی

کتاب مذکور مشتمل بر یک مقدمه، سه بخش و یک ضمیمه و فهرست، به شرح زیر است:

بخش اول: تحلیل بازیها،
بخش دوم: فرهنگ بازیها،
بخش سوم: در پشت بازیها
ضمیمه: رده بندی رفتار انسانی، فهرست بازیها
و وقت گذرانیها

* * *

هدف مقاله

غرض اصلی کتاب بر ارائه معنایی خاص از "بازی" در گستره شرح چند اصطلاح و مفهوم کلیدی مانند "صمیمیت جسمی" و "نوازش"، "ساخت بخشیدن به زمان"، "رویه‌ها" و "مناسک" و "گرسنگی شناخته شدن" و "معطوف است".

راقم این سطور در اینجا برای رعایت ایجاز تنها به تحلیل بنیانی ترین موضوع کتاب که نام کتاب نیز از آن اخذ گردیده است (بازیها) می‌پردازد و سرنقادی کتاب را ندارد، چراکه "پرداخت" هر یک از عناوینی که گذشت، توان و مجال ویژه می‌طلبد، امید آنکه:

بازیها " روان شناسی روابط انسانی "

Games People play; The Psychology of Human Relationships.

نویسنده: Eric Berne

مترجم: اسماعیل فصیح ناشر: نشر نسو

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه سال انتشار: ۱۳۶۶

درآمد

بی گمان نمی‌توان پذیرفت که "نگاه ارزشیاب" هر کسی برای دریافت ارزش یک واقعیت، از باورها و رنگ‌نگرشی خاص او که زاییده نوع جهان‌بینی اوست، جداست. به عبارتی "ارزش دهی" به واقعیت‌های مورد توجه در قلمرو کنکاشی تحلیلی، بازتابی از جلوه آن واقعیت در آینه ادراک خاص فرد است. ناگفته نماند این سخن بدان معنا نیست که در حوزه تلاش برای تمیز سره از ناسره (= نقد) هیچ شاخص و ارزش ثابتی وجود ندارد و حکمیست پیرامون "ارزش گذاری" مقولات، امری کاملاً نسبی در راستای ارزشهای فردی "صراف اندیشه" است.

* * *

گفته آید در مقام دیگری
" مولانا "

* * *

فصل قطور کتاب تعقل بشری را شاید بتوان
کنجکاوی برای شناخت موجودی بنام " انسان "
قلمداد کرد و سرآغاز این فصل وزین شاید آن هنگامی
است که انسان اولیه در رویا فرو می رفتست و
" آن گونگی " هایی که در رویا از خویش و دیگران
مشاهده می کرد او را غوطه ور در گرداب اعجاب
می کرد و می پرسید:

— چگونه است که آدمی در رویاها در آسمانها
پرواز می کند و آرزوهای محال بیداری را محقق
می بیند؟

— چرا گاه آدمی غمین می شود و گرد تنهایی را، نشسته
بر همه چیز می بیند؟

— چرا گاه شاد می شود و از ذره ذره " بودن " نشئه
" نشاط " را در " کام جان " مززه می کند؟

و دهها سؤال از این گونه

و بدین سان در رهگذر تحول علم، شکل مدون همیمن
سوالات، پایه های اساسی " معرفه النفس " را در تاریخ
تفکر بشری نظام بخشید.

و پیداست که این شاخه از معرفت بشری نیز درستر
بالندگی از قانون کلی رشد علم، مستثنی نبسود و
در سیر تکاملی خود، دهها حوزه نوین رفتار بشری
را مورد مذاقه قرار داد و در این کنجکاوی فزاینده
" معرفه النفس "، نیز بابکارگیری مشاهده و تجربه
آزمایشگاهی، وارد مرحله پرتلاشی که " روانشناسی "
امروز باشد گردید، تلاشی که به اعتباری واززوایی
شاید بتوان اظهار کرد که ناموفق بوده است و این
عدم وصول به مقصود (دست یافتن به الگوهای ثابت
برای تفسیر ساخت های گوناگون رفتار بشری) زائیده
دو دلیل کلی کاملاً مرتبط باهمدیگر است:

الف: با ابزار محدود و متزلزلی بنام، توان
تحلیلی، عقل محض بشری (Rationalism)
که بر " مشاهده " و " تجربه " و " استنتاج "

آزمایشگاهی استوار است ادعای سیری کاشفانه
در وادیهای ناشناخته درون آدمی را داشتن .
ب: وجود - ساخت بی کرانه و متلون روح آدمی -
که در هر انسان به اقتضای وجود تاریخی، جغرافیائی
او نمودار گشته است .

گواه دو بند مذکور تناقض های بنیادینی است که
در تبیین " چرایی " رفتار آدمی در متون روان شناسی
مشهود است و گاه قسمت عمده اصول این الگوهای
روشنگر رفتار بشری، آزمایشهای به عمل آمده روی
رفتارهای زیستی محض سگ و گربه و موش است
که به رفتار انسانی تعمیم یافته است .
و این شاید ناشی از آن است که اغلب صاحب نظران
این وادی با تبیین مدل کلی

واکنش → کنش

دچار مطلق نگری خاص خود که متأثر از وحشت
دچار گشتن دوباره به مبانی " فلسفه مدرسی " است
به تفسیر رفتارهای انسانی بر اساس " هورمونهای
جاری شده در خون " مبادرت ورزیدند و گمان بردند که
رفتاری آدمی مقوله ای کاملاً قابل تعیین و پیش بینی
است، اگرچه مدل های روان شناسان سرسپرده غربی
برای به بند کشیدن " آدمهای کلیشه ای و استاندارد،
در عرصه استعمار جهانی کار آ بوده است . اما شاید بتوان
گفت که همواره واقعیت و حقیقت انسان دو نقطه
منطبق نیستند .

* * *

" بازی " در نگاه برن

دکتر اریک برن می گوید:

" حالات من " : در هر شخصی پدیده های فیزیولوژیک
و بهنجارند " و یک انسان برای " ساخت بخشیدن "
Structuring به زمان راههای متعددی
پیش رو دارد که عبارتند از :
الف : مناسب ب : وقت گذرانی ج : بازی
د : صمیمیت ه : فعالیت

و این راههای متعدد ساخت بخشی به زمان هر یک معانی خاص خود را دارند.

«مناسک ساده‌ترین شکل فعالیت اجتماعی هستند و وقت گذرانی یک رشته تبادل تشریفاتی ساده و مکمل که بر محور یک موضوع ساده دور می‌زنند»^۵ و در این بین بازی اصلی‌ترین موضوع است؛ که دکتر اریک برن در این رابطه می‌نویسد:

" بازی یک رشته تبادل مکمل با هدف نهفته است که تا حصول به نتیجه پیش بینی شده " و کاملاً " مشخص پیش می‌رود و جریان پیدا می‌کند یعنی هر بازی، یک رشته تبادل مشخص و غالباً " تکراری است با ظاهری قابل قبول و دارای انگیزه‌های پنهانی یا به زبان عامیانه تر یک رشته حرکت است با دام و کلک بازیها و یا به عبارتی هر بازی اساساً " با خدعه و نیرنگ توأم است و کیفیت پایان کار هم به جای اینکه فقط تحرك پذیر باشد تکرار دهنده است."^۶

" اگر شخصی از شخص دیگر تقاضای تایید کند و درخواستش برآورده شود یسک عمل " انجام گرفته است اگر شخصی از شخص دیگر تقاضای تایید کند و " درخواستش برآورده شود پس آن تایید بر ضد تایید کننده به کار گرفته شود، یسک " بازی انجام شده است."^۸

باتوجه به تعریف مذکور سوالی که در اینجا به ذهن خواننده کتاب خطور می‌کند این است که:

آیا رویه‌ها و مناسک و وقت گذرانیها همان بازیها هستند؟

دکتر برن در پاسخ این پرسش می‌گوید:

بازیها به دو دلیل کاملاً " مشخص از رویه‌ها و مناسک و وقت گذرانیها قابل تشخیص و تمایزند.

اولاً " : به دلیل نهفته بودنشان.

ثانیاً " : به این دلیل که " برد " (Pay-Off) دارند.

باتوجه به آنچه که گذشت بزعم دکتر برن

هر حرکت آدمی در جستجوی تلافی به معنای عام است و بر این مبنا رفتارهای تعاملی و تبدیلی آدمی یک بازی پراز خدعه و کلک است و در این رهگذر " زندگی یعنی پر کردن زمان تا فرا رسیدن مرگ یا بابائوئسل و البته اگر انتخابی در کار باشد با حداقل انتخاب در مورد نوع شغل در این انتظار طولانی^۹ و سرانجام در این کشاکش بعد از بازیها^{۱۰} برای آنانکه آمادگی ندارند که با سه قوه ذهنی آگاهی، طیب خاطر و صمیمیت از تمام رده‌بندیهای رفتاری فراتر بروند چه بهتر که " حل مشکلات خود را از راه فنون عام اجتماعی مانند باهم بودن بچویند " چرا که " شاید برای نوع بشر امیدی نیست اما برای افراد اعضا آن امید وجود دارد " سوالی اساسی که در برابر پیام نهایی نویسنده در این کتاب قرار می‌گیرد این است که: ۰۰۰ آیا می‌توان موفقیت‌های ناچیز در حوزه زندگی یک فرد را که در آینده صورت ظهور می‌یابد معنای واقعی امید دانست در حالی که برای نوع بشر روزنه امیدی نیست؟

بازی در آئینه فرهنگ ما

بطور کلی واژه بازی در فرهنگ ما از دوزاویسه مختلف برخوردار از دوبار ارزشی منفی است و همین معانی برای یک خواننده فارسی زبان که در این کتاب با قلمداد شدن زندگی به عنوان یک بازی برخورد می‌کند ایجاد تداخل ارزشی می‌کند. این معانی عبارتند از:

الف : در نگاه عرفی

به این اعتبار بازی بر فعالیت‌ها و جست و خیزهای کودکان که در آن هیچ هدف معقول و کاربردی پی گیری نمی‌گردد اطلاق می‌شود و بدیهی است اگر چه بسازی در این معنا برای رشد کودکان ضرورتی انکار ناپذیر است اما همواره یک ارزش تحقیر آمیز و نابالغ بودن را در اذهان تداعی و القاء می‌کند. و آنان که خود را از این مرتبه فراتر می‌بینند آنرا کار بیپوده و بی نتیجه قلمداد می‌کنند اگر چه پذیرفته‌اند که این اعمال اقتضای خاص سنین رشد کودک است.

ب : درنگاه ارزشی

از این زاویه بازی عبارت است از مجموعه حرکاتی منظم (خواه ذهنی یا ترکیبی از هر دو) برای تحقق هدفی بطوریکه آن هدف قوه خیال انسان را ارضا می کند یعنی نه عقل و نه جسم در آن فایده ای نمی برند و نتیجه بازی در واقع يك تلذذ روحی و زودگذر است و در انتها ساخت دهی بی هدفی به مقاطع مختلف لحظات عمر می باشد .

البته ناگفته پیداست هر آنچه که در شرع اسلام چون اسب سواری، شنا، ... باتوجه به صورت ظاهر بازی و از آن مورد تاکید قرار گرفته است در واقع هدفی و رای بازی را منظور دارد . چنانکه در قرآن می بینیم که از بازی به عنوان يك ضد ارزش یاد شده است .

" و ما خلقنا السموات والارض وما بينهما لآعبينا ما خلقناهما الا بالحق . "

" ما آسمانها و زمین آنچه که بین آنهاست را بیازبچه نیافریدیم آنها را جز به حق خلق نکردیم . "

سوره دخان آیه ۲۸

آنچه که نگارنده از آیه استنباط می کند این است که در واقع نظام پرشکوه هستی را غرضی حکیمانانه و هدفی والا است و در اینجا تناقضی که در ذهن يك معتقد به " هدفداری حیات " بروز می کند این است که چگونه می توان باتوجه به تعاریف فوق افعال موجودی بنام انسان را که گل سر سبد آفرینش است بازی پراز خدعه و نیرنگ قلمداد نمود ؟ ...

اگر چه برن الگوهای تفسیری و کلی خُود را از واقعیت های موجود زندگی بشر امروزی استنتاج نموده باشد ؟ اما آنچه که در این رهگذار باید بدان توجه داشت این است که گاه و بیگاه در کلام بزرگان صاحب حکمت، جهان و کار جهان يك بازی بیش قلمداد نگشته و با پندها و نصایح آدمی فرو رفته در جذبه های اعتباری دنیا را از دل سپردن به بندوبست های این جهان کون و فساد و ابتلاء بر حذر داشته اند این تلقی بازی وار بودن دنیا در نزد آن بزرگان زائیده قیاسی است بین دنیا (= مکان پست) با " نشئه معنا " و گرنه جهان و امور آن نقش مقدمه ای و تمهیدی

را برای ادراك رحمت و فیاضت خداوندی را توسط انسان در سطحی عالی تر برعهده دارند . کوتاه سخن آنکه تلقی بازی از کار دنیا و زندگی انسان بواسطه میرا و ناپایدار بودن ارزشها و روابط موجود در آن در مقایسه با عالم اصلی است و بر معانی همسان معانی مورد نظر برن تاکید ندارد .

باتوجه به آنچه که گذشت شاید بتوان نتیجه گرفت که ترجمه این کتاب با شکل موجود بیانگر پیوج بودن حیات آدمی و استواری آن بر سلسله ای از خدعه ها و نیرنگ ها برای اکتساب موقعیت و منفعتی است و این موقعیت و منفعت هر چیز می تواند باشد حتی دستی که بر پشت کسی برای تحسین او می خورد یا نگاهی از سر بیان احساسی و تشکر و ...^{۱۲}

در هنگام مطالعه کتاب يك ذهن پژوهشگر به سوالی توجه می یابد که :

آیا زندگی می تواند خالی از بازی باشد ؟

اریک برن در پاسخ می گوید :

در مقایس گسترده تر بازیها اجزاء ترکیب دهند ه پویا و غیر قابل تفکیک " طرح زندگی " (پیش نویس خام یا سناریوی زندگی) نا آگاهانه هر شخص اند و زمان خالی انتظار آدمی را برای موفقیت نهایی بر می کنند .^{۱۳}

بخش اعظم از اوقات زندگی جدی اجتماعی اشخاص به اجزای بازیها می گذرد بنابراین بازیها هم لازمند و هم دلخواه .^{۱۴}

در پایان کتاب اریک برن رفتارهای آدمی را رده بندی می کند و آخرین رده رفتار را " رفتار بر اساس برنامه ریزی اجتماعی " نامگذاری می کند و " صمیمیت " را در آخرین رسته آن قرار می دهد و از صمیمیت به عنوان " آخر خط " یاد می کند و می گوید :

این قسمتی از زندگی وارسته از بازیهاست .^{۱۵}

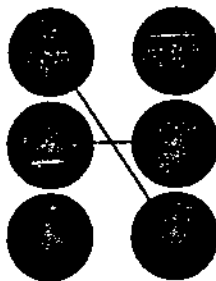
و در واقع معتقد است که آدمی همواره به گونه ای در پهنه گسترده حیات گرفتار بازیهاست .
از خدا می خواه تازین نکته ها

در تلغزی و رسی درمنتها

- ۲- کتاب مذکور - ص ۲۳۰
- ۳- همان منبع - ص ۱۳
- ۴- همان منبع - ص ۲۲
- ۵- همان منبع - ص ۳۹
- ۶- همان منبع - ص ۳
- ۷- همان منبع - ص ۴۷
- ۸- همان منبع - ص ۴۸
- ۹- همان منبع - ص ۲۱۴
- ۱۰ و ۱۱- همان منبع - ص ۲۱۴
- ۱۲- همان منبع - ص ۸
- ۱۳- همان منبع - ص ۶۴
- ۱۴- همان منبع - ص ۶۲
- ۱۵- همان منبع - ص ۲۱۷

■ آنچه که جسم با ارتکاب به آن بالندگی می‌یابد ورزش است نه بازی.

بازیها
روانشناسی روابط انسانی
اریک برن
ترجمه اسماعیل فصیح



شرونو

